

## مطالعه ی زمینه های مرتبط با جامعه پذیری در خانواده و عزت نفس زنان متأهل

مجید موحد<sup>۱</sup> و منصوره دسترنج<sup>۲\*</sup>

### چکیده

این مطالعه با هدف بررسی مقایسه ی زمینه های مرتبط با جامعه پذیری گذشته با زمینه های فعلی بر عزت نفس زنان متأهل انجام شده است. در این مطالعه که به روش پیمایش صورت گرفته، ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهر لار مورد بررسی قرار گرفتند. چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه، نظریه ی کنش متقابل نمادین بوده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که از ۴۰۰ نفر زن متأهل، ۱۷/۳ درصد دارای جامعه پذیری اقتدارگرایانه، ۶۶/۴ درصد بینابین و ۱۶/۳ درصد از زنان دارای جامعه پذیری دموکرات بوده اند. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده، ۱۵/۶ درصد از زنان احساس منفی، ۶۹/۴ درصد احساسی متوسط و ۱۵ درصد از آن ها احساس مثبت نسبت به خود داشته اند. در تحلیل چند متغیره ی عامل های جامعه پذیری گذشته توانسته اند در کل ۳۵/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته و عامل های جامعه پذیری کنونی ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه ی آماری تبیین کنند.

واژه های کلیدی: جامعه پذیری، عزت نفس، زنان متأهل.

### پیشگفتار

مطالعه پیرامون بررسی و شناخت ویژگی های اجتماعی - فرهنگی و روانی زنان تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش های علمی در کشورهای گوناگون جهان بوده است. از جمله موردهای مهم و

<sup>۱</sup> - دانشیار بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز.

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد جامعه شناسی و دستیار آموزشی دانشگاه پیام نور بستک.

\* - نویسنده ی مسئول مقاله: dastranj\_mansooreh@yahoo.com

اساسی در این پژوهش ها، مطالعه ی عزت نفس<sup>۱</sup> زنان است. عزت نفس اثراتی برجسته در جریان فکری، تمایلات، ارزش ها و هدف های شخص دارد و کلید فهم رفتار اوست. بمنظور شناخت کیفیت های روانی انسان و پی بردن به روحیات او باید به طبیعت و میزان عزت نفس و معیارهای قضاوت وی درباره ی خویشتن آگاهی یافت (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۶۳).

عزت نفس از مهم ترین عامل های تعدیل کننده ی فشار روانی- اجتماعی بوده و بر زمینه های روابط خانوادگی، تعامل های اجتماعی، موفقیت تحصیلی، تصور بدنی و احساس خود ارزشمندی کلی مبتنی است و میزان اهمیت این زمینه ها با توجه به تفاوت های فردی و رشد فرد تغییر می کند. ارتباط و پیوند افراد خانواده و رعایت احترام متقابل یکدیگر، در سلامت روانی- جسمانی فرد تأثیری بسزا دارد، به گونه ای که الگوهای رفتاری وی را در بزرگسالی بنیان نهاده، موجبات امنیت خاطر و عزت نفس را در وی فراهم می آورد. اینجاست که نقش پدران و مادران از اهمیتی بسیار برخوردار است. در حقیقت آینده و تقدیر کودکان و نوجوانان بستگی به شرایط و طرز عمل خانواده دارد. وضعیت اقتصادی، وضعیت تحصیلی، موقعیت جغرافیایی، دیدگاه مذهبی خانواده و بسیاری از عامل های دیگر در شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر می گذارند (آشوری، ۱۳۷۵: ۵).

بنظر می رسد که کیفیت روابط خانوادگی در کودکی اهمیت اساسی داشته باشد زیرا در این زمان است که بذره های عزت نفس کاشته می شود. تصور می شود که مادر از این لحاظ نقش محوری ایفا می کند. اگر رابطه ی مادر- فرزند سالم باشد (یعنی کودک احساس کند که مادرش قادر است به احساسات و نیازهای او به سرعت و به گونه ی مؤثر واکنش نشان دهد و آن ها را درک کند)، کودک خواهد توانست، در مورد خود و توانایی برقراری روابط شخصی صمیمی در بزرگسالی، احساس مثبت داشته باشد، بنابراین عملکرد و ساختار خانواده در عزت نفس فرزندان مهم است. مطالعات نشان می دهد که فرزندان والدین طلاق گرفته و بی خانمان ها می توانند بر اثر این وضعیت، از عزت نفسی ضعیف برخوردار باشند (شیهان، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۱).

در رابطه با خانواده، آنچه پژوهش ها نشان می دهند، بیانگر این است که افزایش سطح عزت نفس در فرزندان اغلب با عامل ها و متغیرهایی مانند توجه به مسایل و مشکلات فرزندان، وجود نظم در خانواده، شرکت در فعالیت های خانوادگی و دادن آزادی همراه با توضیح صریح محدودیت ها همراه شده است. اگر چه ممکن است عامل هایی مثل توجه به نیازها و مسایل فرزندان در خانواده، تشریک مساعی و همکاری میان اعضای خانواده، فراهم کردن فرصت لازم برای موفقیت و رعایت حق و حقوق اعضای خانواده، علت افزایش سطح عزت نفس در فرزندان نباشند،

<sup>۱</sup> - Self-Esteem

اما پژوهش ها نشان می دهند که در این شرایط، فرزندان از خود عزت نفس مثبت تری نشان می دهند (استنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

یکی از الگوهای ساختاری عزت نفس مفهوم خود است. انسان در فرایند جامعه پذیری<sup>۲</sup> می آموزد که «خود» را به عنوان موجودی مستقل و جدا از دیگران بازشناسد. خود دارای هویت مشخصی است که دیگران در برابر او کنش و واکنش نشان می دهند. نوزاد انسان در بدو تولد مفهومی از خود ندارد و آگاهی از هستی خویش را در فرایند «اجتماعی شدن» می یابد (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۶۳). جامعه پذیری به گونه ی عمده در دوران کودکی شکل می گیرد و در سراسر عمر آدمی ادامه می یابد. در جریان این فرایند، رفتارها و نگرش هایی به فرد آموخته می شود که مناسب باشد. عامل های مؤثر در جامعه پذیری عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه همگنان و وسایل ارتباط جمعی. آنچه در این مقاله مورد پرسش است این که: چه رابطه ای بین زمینه های جامعه پذیری فرد در خانواده و عزت نفس وجود دارد؛ آیا اساساً میان زمینه های جامعه پذیری و عزت نفس رابطه ای وجود دارد؟

از آنجایی که نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان بسیار مهم بوده و یکی از عامل های اجتماعی شدن کودک بشمار می آید، بنابراین با توجه به نقش خانواده در اجتماعی شدن فرزندان، شکل گیری و رشد شخصیت افراد و عزت نفس آنان، ضرورت بررسی زمینه های جامعه پذیری فرد در خانواده و رابطه آن با عزت نفس لازم بنظر می رسد.

### مروری بر پژوهش های پیشین

کشاوری (۱۳۸۱) در مطالعه ای با عنوان "بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران" پرداخته است. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل ۲۰ تا ۵۰ ساله ی ساکن شهر تهران است و جمعیت نمونه ای که با آن ها مصاحبه شده ۲۴۱ نفر بوده است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و پنداشت از خود زن رابطه وجود دارد. به بیان دیگر، در میان زنان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر، پنداشت از خود مدرن دیده می شود. همچنین ب اساس یافته های این مطالعه، هر چه تقسیم کار درون خانواده مشارکتی تر باشد، پنداشت از خود زن مدرن تر است.

جان بزرگی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه ای به بررسی رابطه ی ساخت ارزشی خانواده با حرمت خود دانش آموزان پایه دوم و سوم مدارس متوسطه شهر تهران پرداخته اند. بدین منظور

<sup>۱</sup> - Stienberg

<sup>۲</sup> - Socialization

۲۱۲ نفر آزمودنی پس از نمونه گیری خوشه ای به گونه ی تصادفی از بین دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی متوسطه به همراه ۲۱۲ نفر از والدین آن ها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. برای بررسی حرمت خود دانش آموزان از پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داده که بین برخی از رجحان های ارزشی خانواده ها و حرمت خود دانش آموزان با درجه ی اطمینان ۹۵ درصد رابطه ی معنادار وجود دارد. البته نوع این ترجیحات بر حسب مناطق تغییر می کند. هر چند جهت گیری ارزشی اجتماعی رابطه ی معنادار معکوس با حرمت خود فرزندان دارد، ولی برخی رجحان های ارزشی تأثیر مستقیم از جانب مادر بر حرمت خود فرزندان دارد. روی هم رفته، بنظر می رسد تأثیر رجحان های ارزشی متفاوت بر حسب جنسیت، نوع والدین (پدر یا مادر) و منطقه ی جغرافیایی متفاوت است.

قنبری هاشم آبادی (۱۳۸۷) در مطالعه ای به بررسی رابطه ی میزان عزت نفس و ترتیب تولد در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته است. در این پژوهش نمونه ی مورد بررسی ۳۷۵ نفر دانشجوی دختر شاغل به تحصیل در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۵-۸۴ می باشد که به صورت تصادفی انتخاب شده اند. جهت اندازه گیری میزان عزت نفس از آزمون عزت نفس کوپراسمیت استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که بین ترتیب تولد و میزان عزت نفس رابطه ای معنادار وجود دارد. گرچه، میانگین نمره های عزت نفس فرزندان میانه بیش تر از میانگین نمره های عزت نفس فرزندان اول و آخر بود، با این وجود تفاوت میانگین نمره های عزت نفس فرزندان آخر پایین تر از بقیه بود.

لنز و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی "ارتباط فرزند- والدین و عزت نفس نوجوان در خانواده های جدا و طلاق گرفته، دارای فرزند خوانده و خانواده های منسجم و عادی پرداخته اند. نمونه ی این مطالعه ۴۵۰ نوجوان ۱۱ تا ۱۷ ساله که بر حسب نوع خانواده ۱۶۰ نفر از خانواده های منسجم و عادی، ۱۴۰ نفر از خانواده های جدا و طلاق گرفته و ۱۵۰ نفر از خانواده های دارای فرزند خوانده بودند. این مطالعه به روش پیمایش و داده ها به وسیله ی مقیاس ارتباط والدین- نوجوان بارنر و اولسون و پرسشنامه ی جمعیتی- اجتماعی و مقیاس عزت نفس روزنبرگ گرد آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که نوجوانان از خانواده های طلاق گرفته نسبت به دو گروه دیگر عزت نفس پایین تری داشتند.

ماندارا و مورای<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر موقعیت والدین، درآمد و عملکرد خانواده بر عزت نفس نوجوانان آمریکایی آفریقایی پرداخته اند. نمونه ی این مطالعه ۱۱۶ نوجوان بودند.

<sup>۱</sup>- Lanz and et al

<sup>۲</sup>- Mandara ,& Murray

نتایج این پژوهش نشان داده است که ارتباط با والدین نقشی مهم در عزت نفس فرزندان بویژه دختران دارد.

شرر و انبال<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی میزان عزت نفس در جوانان یهود و عرب در اسرائیل پرداخته اند. نمونه ی این مطالعه ۹۷۶ جوان (۷۴۲ یهود و ۲۳۴ عرب) بودند. این مطالعه به روش پیمایشی و داده ها به وسیله ی پرسشنامه و مقیاس عزت نفس روزنبرگ گرد آوری شده است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که جوانان عرب از میزان عزت نفس بالاتری نسبت به جوانان یهود برخوردارند. همچنین بر اساس یافته های این مطالعه، رابطه ای مثبتی بین نوع فرهنگ، فرایند جامعه پذیری، شیوه ی ارتباط با خانواده و دوستان، ویژگی های خانواده و دوستان و عزت نفس جوانان وجود دارد.

البدور و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه ای به بررسی رابطه ی بین ساختار خانواده و سلامت روانی نوجوانان عرب پرداخته اند. بدین منظور ۲۱۰ نوجوان با میانگین سنی ۱۵/۹ سال به گونه ی تصادفی انتخاب شدند. نتایج مطالعه نشان داده است که ساختار خانواده نقشی مهم در سلامت روانی فرزندان دارد.

### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه ی کنش متقابل نمادین است. این نظریه بر رابطه ی متقابل فرد و جامعه تأکید می کند و مفاهیمی چون شخصیت و خود مرکز ثقل این نظریه بشمار می رود. همچنین بحث اجتماعی شدن یکی از مباحث محوری در این دیدگاه است. تأکید دیگر این مکتب بر احساس فرد نسبت به خویشتن می باشد که این احساس در کنش متقابل فرد با دیگران بروز می یابد. صاحب نظران این عرصه بر این باورند که نماد مبنای روابط انسانی است و چیزی است که جایگزین چیز دیگری می شود. مردم در روابط متقابل اجتماعی می آموزند که به نمادهای گوناگون ارزش و معنا ببخشند.

علت اصلی تأکید مکتب کنش متقابل بر دو عامل زبان و ارتباط، این باور است که افراد تنها از راه زبان و ارتباط است که می توانند یک فرهنگ را بیاموزند و حضور فعال در جامعه پیدا کنند. افزون بر این از راه ارتباطات است که فرد قادر می شود تصور و شناخت نسبت به خود را بهبود بخشد (اسمیت و پرستون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷: ۳-۵۲).

<sup>۱</sup> - Sherer & Enbal,

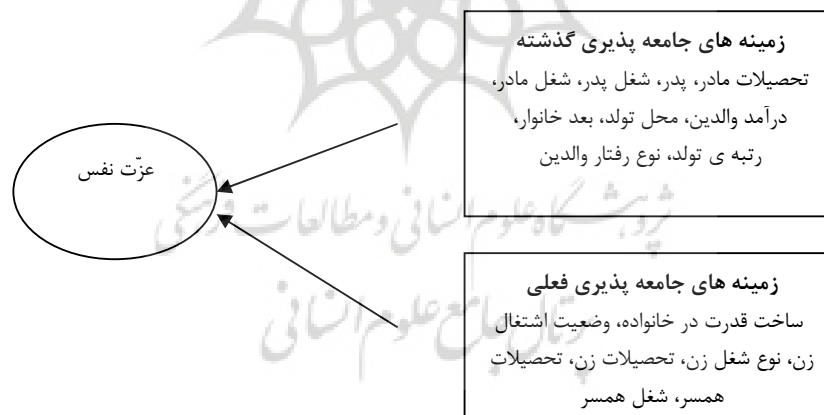
<sup>۲</sup> - Elbedour

<sup>۳</sup> - Smith and Preston

معنی و نمادها به کنش اجتماعی انسان (که مربوط به کنشگر واحد است) و کنش متقابل اجتماعی او (که دو یا چند کنشگر را به کنش متقابل اجتماعی می کشاند)، ویژگی های متمایزی می بخشند. کنش اجتماعی همان کنشی است که افراد از راه آن، با دیگران به گونه ی ذهنی کنش برقرار می کنند. انسان ها در فراگرد کنش متقابل اجتماعی، به گونه ای نمادین معناهایی را به دیگران انتقال می دهند. دیگران این نمادهای معنی دار را تفسیر می کنند و بر پایه ی تفسیرشان از این نمادها، واکنش نشان می دهند. به بیان دیگر، کنشگران، حین کنش متقابل اجتماعی، در فراگردی از نفوذ متقابل قرار می گیرند (ریترز<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴: ۲۸۶).

به باور نظریه پردازان این مکتب، افراد دارای یک هسته ی اولیه خود می باشند که از ویژگی های فردی و جامعه پذیری تشکیل شده است. ویژگی های فردی که شامل ویژگی ظاهری، ویژگی روانی و میزان اعتماد به نفس است، از راه تفسیر فرد از کنش خود و تفسیر دیگران از کنش فرد و توانایی ایفای نقش های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می شود و در نهایت بر عزت نفس فرد تأثیر می گذارد و اما قسمت دوم جامعه پذیری است که باعث کثرت محیط اجتماعی، از یک سو و تنوع مراجع، از سوی دیگر می شود که این دو باعث ایفای نقش های متعدد، ایجاد خودهای متعدد و رفتار مطابق با محیط های گوناگون می شوند، بنابراین، این عامل ها بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد مؤثر بوده و در نتیجه عزت نفس فرد را تحت تأثیر قرار می دهند.

### مدل نظری و فرضیه های پژوهش



<sup>۱</sup>-Ritzer

جهت پاسخگویی به پرسش های پژوهش، فرضیه های پژوهش به شرح زیر ارائه می شود:

(۱) بین زمینه های جامعه پذیری گذشته و عزت نفس زنان رابطه ای معنادار وجود دارد.

(۲) بین زمینه های جامعه پذیری فعلی و عزت نفس زنان رابطه ای معنادار وجود دارد.

### روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، روش پیمایشی<sup>۱</sup> است. از رایج ترین شیوه های گردآوری داده ها در روش پیمایشی، مصاحبه ی شخصی و استفاده از پرسشنامه است که در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه ی آماری در این پژوهش زنان متأهل بین ۲۵ تا ۴۵ ساله ی ساکن شهر لار می باشند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است. براین اساس، حجم نمونه در این پژوهش برابر با ۴۰۰ نفر می باشد. برای انتخاب نمونه ها از شیوه ی نمونه گیری چندمرحله ای<sup>۲</sup> استفاده شده است. بر اساس این روش، نمونه گیری، جامعه مورد مطالعه به دو بافت تقسیم شده، هر یک از این بافت ها متشکل از چند محله می باشد. با توجه به این تقسیم بندی، در هر یک از این محلات، بطور تصادفی چند بلوک انتخاب و از درون هر یک از این بلوک ها، تعدادی خانوار به شیوه تصادفی سیستماتیک نمونه گیری و مورد پرسشگری قرار گرفتند.

در این پژوهش برای بالا بردن اعتبار طیف های مورد استفاده در سنجش متغیرها، پرسشنامه را به برخی از اساتید بخش جامعه شناسی و روان شناسی عرضه نمودیم تا با جویا شدن نظر ایشان اعتبار پرسشنامه تأیید گردد. برای ارزیابی قابلیت اطمینان (پایایی)<sup>۳</sup> پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> استفاده شد. یافته ها نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای عزت نفس (با ۱۰ گویه) ۰.۸۷ بود. همچنین تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS انجام شد و جهت آزمون فرضیه ها از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره بهره گرفته شد.

متغیر وابسته ی این پژوهش عزت نفس است. کوپر اسمیت<sup>۵</sup> (۱۹۶۷) عزت نفس را احساس ارزشمندی از توانایی های خود تعریف کرده است. در این پژوهش برای سنجش عزت نفس از پرسشنامه ی عزت نفس روزنبرگ<sup>۶</sup> استفاده شده است. این پرسشنامه با ۱۰ گویه در دامنه ی پنج گزینه ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده است.

1- Survey

2- Multistage Sampling

3- Reliability

4- Cronbach Coefficient Alpha

5- Coopersmith

6- Rosenberg

## یافته ها

با توجه به آمار توصیفی نمونه شامل ۴۰۰ نفر زن ساکن شهر لار بود که در رده ی سنی ۲۵-۴۵ سال قرار داشته و دارای میانگین سنی ۳۴/۲۱ سال بودند. حدود ۷۴/۳ درصد از این افراد خانه دار و ۲۵/۸ درصد شاغل بودند. از لحاظ سواد و تحصیلات نیز بیشترین تعداد یعنی ۵۱/۸ درصد دارای سطوح تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، ۱۸/۵ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند و ۵۱/۸ درصد نیز در سطح بیسواد تا سیکل قرار داشتند. بر حسب نوع شغل ۱۴/۳ درصد از زنان کارمند، ۸/۳ درصد معلم و ۳/۳ درصد از آن ها شغل آزاد داشتند. میانگین سطح سواد مادران پاسخگو ۶/۰۴ سال و میانگین سطح سواد پدران ۶/۴۹ سال بوده است. از نظر میزان عزت نفس، بیش ترین تعداد زنان در حد متوسط از احساس عزت نفس برخوردار بوده اند.

برای تحلیل چند متغیره، روش رگرسیون گام به گام مورد استفاده قرار گرفته است. این روش یک بار برای متغیرهای مستقل جامعه پذیری در گذشته و یک بار برای متغیرهای جامعه پذیری کنونی مورد استفاده قرار گرفته است. جدول شماره ی ۱ نشان دهنده ی تحلیل گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته ی عزت نفس در ارتباط با متغیر های جامعه پذیری در گذشته است. از میان متغیرهایی که وارد این معادله شدند چهار متغیر باقی ماندند که به ترتیب عبارتند از: نوع رفتار والدین، شغل پدر (کارمند)، درآمد والدین، رتبه تولد. همانگونه که جدول شماره ۱ نشان می دهد این چهار متغیر توانسته اند در مجموع ۳۵/۶ درصد متغیر وابسته را تبیین نمایند. مقادیر به دست آمده برای بتا (جدول شماره ۱) بیانگر آن است که سه متغیر وارد شده یعنی نوع رفتار والدین، درآمد والدین، رتبه تولد با متغیر وابسته (میزان عزت نفس)، همبستگی مثبت داشته و متغیر شغل پدر (کارمند)، با این متغیر وابسته رابطه ی معکوس و منفی دارد. مقدارهای بدست آمده برای  $t$  و سطح معنی داری حاکی از معنادار بودن همبستگی میان متغیرها با سطح اطمینان ۹۹ درصد است. به این ترتیب رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای یاد شده چنین خواهد بود:

$$Y = 46/18 + 0/221(x_1) - 4/21(x_2) + 2/515E-06(x_3) + 0/378(x_4)$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۱- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته (عزت نفس)

| مرحله | متغیر وارد شده   | R     | R <sup>2</sup> | Ad.R <sup>2</sup> | اشتباه استاندارد | B              | Beta   | مقدار t | Sig   |
|-------|------------------|-------|----------------|-------------------|------------------|----------------|--------|---------|-------|
| اول   | نوع رفتار والدین | ۰/۵۲۲ | ۰/۲۷۳          | ۰/۲۷۱             | ۵/۴۶             | ۰/۲۲۱          | ۰/۵۲۲  | ۱۲/۲۱   | ۰/۰۰۰ |
| دوم   | شغل پدر (کارمند) | ۰/۵۷۷ | ۰/۳۳۳          | ۰/۳۳۰             | ۵/۲۴             | -۴/۲۱۲         | -۰/۲۵۲ | -۶/۰۲   | ۰/۰۰۰ |
| سوم   | درآمد والدین     | ۰/۵۸۸ | ۰/۳۴۵          | ۰/۳۴۰             | ۵/۲۰             | -۰/۶<br>۲/۵۱۵E | ۰/۱۱۱  | ۲/۶۸    | ۰/۰۰۸ |
| چهارم | رتبه تولد        | ۰/۵۹۷ | ۰/۳۵۶          | ۰/۳۵۰             | ۵/۱۶             | ۰/۳۷۸          | ۰/۱۰۹  | ۲/۶۰    | ۰/۰۱۰ |

$$a=46/18 \quad R=0/597 \quad R^2=0/356 \quad F=54/67 \quad Sig=0/000$$

همان گونه که ملاحظه می شود، از میان متغیرهای مستقل، متغیر نوع رفتار والدین بیش ترین قدرت تبیین کنندگی را برای این متغیر وابسته دارد زیرا به تنهایی توانسته است ۲۷/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید، بنابراین با توجه به این یافته می توان به درجه ی اهمیت رفتار والدین با فرزندان یا به بیان دیگر شیوه ی تربیتی آن ها در ارتباط با عزت نفس فرزندان پی برد.

جدول ۲ تحلیل چند متغیره ی گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته ی عزت نفس را در ارتباط با متغیرهای جامعه پذیری در زمان کنونی نشان می دهد. از میان متغیرهایی که وارد معادله شدند، سه متغیر باقی ماندند که به ترتیب شامل تحصیلات زن، ساختار قدرت در خانه، شغل همسر (کارگر) می باشد. جدول شماره ی ۲ بیانگر این است که این سه متغیر توانسته اند در مجموع ۲۵ درصد متغیر وابسته را تبیین نمایند. مقادیر بدست آمده برای بتا که در جدول ۲ آمده است، نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در گام های دوم و سوم (شامل ساختار قدرت در خانه و شغل همسر (کارگر)) با متغیر وابسته (عزت نفس) رابطه ی منفی و معکوس داشته است در حالی که رابطه ی متغیر گام اول (تحصیلات زن) با متغیر وابسته رابطه ی مستقیم و مثبت دارد. مقادیرهای سطح معنی داری بدست آمده در این پژوهش حاکی از معنادار بودن رابطه میان متغیرها با سطح اطمینان ۹۹ درصد است. به این ترتیب رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای یاد شده چنین خواهد بود:

$$Y=46/418+0/815(x_1)-0/243(x_2)-6/415(x_3)$$

جدول ۲- عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته

(عزت نفس)

| مرحله | متغیر وارد شده      | R     | R <sup>2</sup> | Ad.R <sup>2</sup> | اشتباه استاندارد | B      | Beta   | t      | Sig   |
|-------|---------------------|-------|----------------|-------------------|------------------|--------|--------|--------|-------|
| اول   | تحصیلات زن          | ۰/۳۸۹ | ۰/۱۵۱          | ۰/۱۴۹             | ۵/۹۰             | ۰/۸۱۵  | ۰/۳۸۹  | ۸/۴۲۶  | ۰/۰۰۰ |
| دوم   | ساختار قدرت در خانه | ۰/۴۷۲ | ۰/۲۲۳          | ۰/۲۱۹             | ۵/۶۵             | -۰/۲۴۳ | -۰/۲۷۴ | -۶/۰۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| سوم   | شغل همسر(کارگر)     | ۰/۵۰۰ | ۰/۲۵۰          | ۰/۲۴۴             | ۵/۵۶             | -۶/۴۱۵ | -۰/۱۷۱ | -۳/۷۸۰ | ۰/۰۰۰ |

a=46/418 R= 0/50 R<sup>2</sup>=0/25 F= 44/019 Sig= 0/000

همان گونه که مشاهده می شود، از میان متغیرهای مستقل، متغیر تحصیلات زن دارای بیش ترین قدرت تبیین کنندگی برای میزان عزت نفس است و به تنهایی توانسته است ۱۵/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید، بنابراین مهم ترین متغیر در این خانواده (خانواده ای که زن با ازدواج تشکیل می دهد) تحصیلات زن است که با بالا رفتن آن بر عزت نفس زنان افزوده می شود.

جدول ۳ تحلیل چند متغیره ی گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته ی عزت نفس را در ارتباط با کل متغیرهای جامعه پذیری در گذشته و حال نشان می دهد. از بین تمام متغیرهای مورد بررسی، هشت متغیر در معادله باقی ماندند که به ترتیب عبارتند از: نوع رفتار والدین، شغل پدر (کارمند)، ساختار قدرت در خانه، تحصیلات زن، رتبه تولد، شغل همسر(کارگر)، درآمد والدین و شاغل بودن زن. این هشت متغیر در مجموع ۴۳/۹ درصد متغیر وابسته را تبیین می کنند. همچنین یافته ها نشان می دهد که بجز متغیرهای شغل پدر(کارمند)، ساختار قدرت در خانه، شغل همسر(کارگر)، شاغل بودن زن، رابطه ی سایر متغیرها با متغیر عزت نفس مستقیم و مثبت است. مقدارهای سطح معنی داری بدست آمده در این پژوهش حاکی از معنادار بودن رابطه میان متغیرها با سطح اطمینان ۹۵ درصد است. به این ترتیب رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای یاد شده چنین خواهد بود:

$$Y=29/110+0/221(x_1)-4/212(x_2)-0/177(x_3)+0/360(X_4)+0/427(X_5)-5/202(X_6)+2/219E-06(X_7)-1/341(X_8)$$

## جدول ۳- عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر

وابسته(عزت نفس)

| Sig   | t      | Beta   | B             | اشتباه<br>استاندارد | Ad.R <sup>2</sup> | R <sup>2</sup> | R     | متغیر وارد<br>شده         | مرحله |
|-------|--------|--------|---------------|---------------------|-------------------|----------------|-------|---------------------------|-------|
| ۰/۰۰۰ | ۱۲/۲۱۰ | ۰/۵۲۲  | ۰/۲۲۱         | ۵/۴۶                | ۰/۲۷۱             | ۰/۲۷۳          | ۰/۵۲۲ | نوع رفتار<br>والدین       | اول   |
| ۰/۰۰۰ | -۶/۰۲۰ | -۰/۲۵۲ | -۴/۲۱۲        | ۵/۲۴                | ۰/۳۳۰             | ۰/۳۳۳          | ۰/۵۷۷ | شغل<br>پدر(کارمند)        | دوم   |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۷۷۶ | -۰/۲۰۰ | -۰/۱۷۷        | ۵/۱۰                | ۰/۳۶۵             | ۰/۳۷۰          | ۰/۶۰۸ | ساختار<br>قدرت در<br>خانه | سوم   |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۸۶۰  | ۰/۱۷۲  | ۰/۳۶۰         | ۵/۰۱                | ۰/۳۸۶             | ۰/۳۹۳          | ۰/۶۲۷ | تحصیلات زن                | چهارم |
| ۰/۰۰۲ | ۳/۰۵۸  | ۰/۱۲۳  | ۰/۴۲۷         | ۴/۹۶                | ۰/۳۹۹             | ۰/۴۰۷          | ۰/۶۳۸ | رتبه تولد                 | پنجم  |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۳۵۳ | -۰/۱۳۹ | -۵/۲۰۲        | ۴/۹۰                | ۰/۴۱۴             | ۰/۴۲۳          | ۰/۶۵۱ | شغل<br>همسر(کارگر)        | ششم   |
| ۰/۰۱۲ | ۲/۵۱۰  | ۰/۰۹۸  | E-۲/۲۱۹<br>06 | ۴/۸۶                | ۰/۴۲۲             | ۰/۴۳۲          | ۰/۶۵۸ | درآمد والدین              | هفتم  |
| ۰/۰۳۳ | -۲/۱۳۹ | -۰/۰۹۲ | -۱/۳۴۱        | ۴/۸۴                | ۰/۴۲۷             | ۰/۴۳۹          | ۰/۶۶۲ | شاغل بودن<br>زن           | هشتم  |

$$a=29/11 \quad R= 0/662 \quad R^2=0/439 \quad F= 38/227 \quad Sig= 0/000$$

چند نکته در این جدول شایان ذکر است: نخست، متغیری که بیشترین قدرت تبیین کنندگی را برای متغیر وابسته داشته، نوع رفتار والدین است که از یک سو بر ضرورت توجه به این مسئله صحنه می گذارد و از سوی دیگر توجه به آن، این مسئله را روشن می سازد که مهم ترین متغیر مرتبط با عزت نفس در خانواده پدری قرار دارد و ریشه ی عزت نفس بالا یا پایین فرد در این خانواده شکل می گیرد. دوم، شغل پدر نسبت به شغل همسر ارتباطی قوی تر با عزت نفس فرد دارد. سوم، تحصیلات زنان نسبت به اشتغال آن ها قدرت تبیین کنندگی بیش تری برای عزت نفس دارد. چهارم، شاغل بودن زنان عزت نفس آنان را تقویت نکرده است. پنجم، وجود ساختار قدرت مرد سالارانه در خانه، از عزت نفس زنان می کاهد.

### نتیجه‌گیری

خانواده همواره یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی بوده به عنوان نخستین مکان اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری، تأثیری ژرف بر فرد داشته است. در واقع ویژگی‌های شخصی و اجتماعی هرکس در متن خانواده شکل می‌گیرد، بنابراین خانواده، شایسته‌ی توجه زیادی بوده و اهمیت انکارناپذیری در تربیت نسل فرزندان دارد. نتایج این پژوهش نیز بر این نکته تأکید داشته است. آنچه‌آنچه که نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد، نوع رفتار والدین افزون بر این که در رابطه با عزت نفس و جامعه‌پذیری فرد در خانواده‌ی پدری بیش‌ترین نقش را ایفا می‌کند، به طور کلی نیز از بین تمام متغیرهای مرتبط با جامعه‌پذیری دارای بیش‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی برای متغیر عزت نفس بوده است. والدینی که به شیوه‌ی دموکرات با فرزندان خود رفتار می‌کردند، فرزندان با عزت نفس بالا و والدینی که به شیوه‌ی استبدادی رفتار می‌نمودند، فرزندان با عزت نفس پایین پرورش داده‌اند، بنابراین به دلیل ارتباط این دو متغیر بایستی توجهی بیش‌تر به این مسئله معطوف گردد و برای تربیت نسلی که عزت نفس بالایی داشته باشد، برنامه‌ریزی‌های تربیتی صورت پذیرد.

همچنین از بین تمام متغیرهایی که در ارتباط با عزت نفس در معادله‌ی رگرسیون باقی ماندند، متغیرهای اول و دوم مربوط به خانواده‌ی اولیه یا خانواده‌ی پدری می‌باشد، بنابراین خانواده‌ی اول که فرد در آن بزرگ می‌شود و یا به تعبیری در آن تربیت اولیه‌ی خود را می‌یابد، ارتباطی بیش‌تر با شکل‌گیری عزت نفس فرد دارد. اهمیت بیش‌تر شغل پدر نسبت به شغل همسر نیز این یافته (اهمیت بیش‌تر خانواده‌ی پدری نسبت به خانواده‌ی فعلی در شکل‌گیری عزت نفس فرد) را تأیید می‌کند، بنابراین پایه‌های نخستین شکل‌گیری عزت نفس فرد در خانواده‌ی پدری و در ارتباط با والدین شکل می‌گیرد و نباید از این مرحله‌ی زندگی فرد به سادگی گذشت.

از دیگر متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، ساختار قدرت در خانواده است. نتایج نشان داد که در خانواده‌هایی که توزیع قدرت، بیش‌تر دموکراتیک است، زنان از میزان عزت نفس بالاتری برخوردارند. در چنین خانواده‌هایی به دلیل کاهش سرکوب‌گری زنان و توجهی که به آن‌ها و مشارکت‌شان در تصمیم‌گیری‌ها و مسایل دیگر می‌شود، زنان احساس سودمندی و ارزشمندی بیش‌تری نموده، لذا از عزت نفس بالاتری برخوردارند.

اهمیت درآمد والدین یا به بیان دیگر رئیس خانواده اعم از «شوهر یا پدر» در بیش‌تر تحقق پژوهش‌های اجتماعی مورد تأیید واقع شده است. از آن‌جا که درآمد والدین به عنوان یکی از شاخص‌های سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده بکار می‌رود، پس می‌توان چنین استنباط کرد که با افزایش درآمد والدین تغییری عمده در میزان عزت نفس فرزندان بدست خواهد آمد، چنانچه نتایج این پژوهش نیز این مسئله را تأیید می‌کند.

روی هم رفته می توان گفت اولاً، جامعه پذیری فرایندی پایان ناپذیر است که در تمام دوران زندگی فرد ادامه دارد و در هر برهه ای از زندگی فرد این جامعه پذیری مورد دخل و تصرف قرار گرفته و در مواردی تثبیت شده و تغییر می یابد، اما شاید بتوان گفت دوران کودکی فرد مهم ترین دوره ی شکل گیری ویژگی های شخصیتی و از جمله عزت نفس فرد است و شالوده ی وجودی وی در این دوران پایه ریزی می شود. درست است که جامعه پذیری در دوره های بعدی زندگی فرد می تواند دوران کودکی را مورد جرح و تعدیل قرار دهد، اما با وجود آن، باز هم نمی تواند نقش هایی که بر پیکره ی وجودی فرد حک شده است را تماماً پاک کند، بنابراین با توجه به موردهای ذکر شده، این دوران بایستی مورد عنایت بسیار قرار بگیرد. ثانیاً، از بین متغیرهای ذکر شده تنها متغیرهای تحصیلات و اشتغال جزء موردهایی است که زن، خود می تواند در کسب یا عدم کسب آن دخیل باشد و سایر متغیرها از حوزه ی دخالت مستقیم زنان بیرون است، لذا زنان نیز خود بایستی دست کم در این فاکتور که می توانند در کسب آن نقش ایفا نمایند، فعالانه شرکت نموده و بدین وسیله در افزایش عزت نفس خود سهیم باشند.

## منابع

- ۱- آشوری، ا. پهلوان زاده، س. مهرابی، ط. اسدالهی، ق. ع. و ا. حسن زاده. ۱۳۷۵. "بررسی ارتباط بین میزان عزت نفس و ویژگیهای فردی، خانوادگی در دانش آموزان دختر دبیرستانهای شهر اصفهان". مجله شیمی، شماره ۹۰، شماره انتشار ۹، شماره نمایه ۸۷.
- ۲- جان بزرگی، م. نوری، ن. و مستخدمین حسینی، خ. ۱۳۸۵. "بررسی رابطه ساخت ارزشی خانواده با حرمت خود دانش آموزان". دانشور رفتار، آبان، ۱۳(۱۹) ویژه مقالات روان شناسی (۷). صص ۶۴-۵۳.
- ۳- ریتزر، ج. ۱۳۷۴. نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۴- ستوده، ه. ا. ۱۳۷۶. روان شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- ۵- شیهان، ا. ۱۳۸۳. عزت نفس. ترجمه مهدی گنجی، تهران: نشر ویرایش.
- ۶- قنبری هاشم آبادی، ب. ع. ۱۳۸۷. "بررسی رابطه میزان عزت نفس و ترتیب تولد در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد". تازه ها و پژوهشهای مشاوره، تابستان، ۷(۲۶). صص ۱۲۸-۱۱۷.
- ۷- کشاورز، خ. ۱۳۸۱. "بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران". رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- 8- Coopersmith, S. (1967). *The Antecedents of Self-esteem*. San Francisco: Freeman Press.
- 9- Elbedour, S., Bart, W & Hektner, J (2007). "The relationship between family structure and the mental health of Bedouin arab adolescents". *Journal of adolescence*. Vol.30. issue 2. Pp.213-230.

- 10- Lanz, M., Iafrate, R., Rosnati, R., & Scabini, E. (1999). "Parent- Child Communication And Adolescent Self-esteem In Separated, Intercountry Adoptive And Intact Non-adoptive Families". Journal Of Adolescence, Vol, 22, pp, 785-794.
- 11- Mandara, J., & Murray, C. B. (2000). "Effects of parental status, income, and family functioning on African American adolescent self-esteem". Journal of family psychology. Vol, 14, Issue 3, pp, 475-490.
- 12- Sherer, M., Enbal, B. (2006). "In the shadow of dispute: self-esteem of Jewish and Arab youth in Israel". International journal of intercultural. Vol. 30, issue 3, pp. 287-309.
- 13- Smith, R. W. & Preston, F. W. (1977). Sociology: An Introduction. Cambridge: Polity Press
- 14- Steinberg, L. (2002). The family at adolescence: transition and transformation. Journal of adolescent health. vol, 27, Issue, 3, Pp. 170-178.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی